

# جایگاه اعزام دانشجویان به خارج از کشور

در

## دانشگاه اسلامی

□ اشاره: در برنامه‌های پیشنهادی برای «اسلامی کردن دانشگاهها»، اعزام دانشجویان به خارج از کشور و تبادل علمی و فرهنگی خصوصاً با کشورهای پیشرفته غرب چه جایگاهی دارد؟ آیا باید باب اعزام را بست؟ آیا اعزام بدون حد و مرز و ضابطه مفید است؟ چه راههایی را میتوان پیشنهاد نمود که آثار مثبت اعزام بدون مضرات آن بدست آید؟

برخلاف نگرش برخی که نتیجه اعزام را سراسر رشد علمی و دست یافتن به دانش روز تلقی می‌کنند، تحقیقات نشان می‌دهد که دانشجویان اعزامی معمولاً با مشکلات فرهنگی و روحی بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند، در حدی که اگر راههای دیگری برای کسب دانش پیشرفته روز ممکن باشد، قاعدتاً بر اعزام ترجیح خواهد یافت. مقاله حاضر، نتایج تحقیق آقای حسین فرشتیان دانشجوی دکتری حقوق در فرانسه است که در مقیاس دانشجویان اعزامی منطقه فرانسه انجام گرفته است. این مقاله در پنجمین همایش انجمنهای اسلامی دانشجویان ایرانی منطقه فرانسه که در دی ماه ۷۵ در پاریس برگزار شد، ارائه گردید.

حسین فرشتیان

### تاریخچه اعزام

اولین اعزام دانشجویان از کشور ایران به غرب، از مدرسه دارالفنون صورت گرفت. این اعزام بسیار محدود و موردی بود. در جلسه ۲۱۷ دوره دوم مجلس شورای ملی، در روز یکشنبه ۲۶ صفر ۱۳۲۹ قمری، لایحه‌ای به مجلس برده شد و پیرامون تعداد دانشجویان اعزامی (۱۵ یا ۲۰ نفر) بحث و بررسی انجام شد. از آن پس، به مرور زمان اعزامها وسیع‌تر شد. در سالهای آخر رژیم گذشته، گسترده‌ترین اعزامها صورت پذیرفت، اما پس از پیروزی انقلاب به تدریج اعزامها به دو دلیل زیر محدود و محدودتر شد:

اول، مشکلات ارزی ناشی از جنگ تحمیلی، و دوم، جلوگیری از تأثیرات منفی محیط غرب بر دانشجویان.

در اولین مرحله، اعزام محدود به مقطع دیپلم شد. سپس یکی از شرایط اعزام، داشتن مدرک لیسانس شد. اکنون اعزام فقط پس از مقطع فوق‌لیسانس انجام می‌شود.

### اهداف و ضرورت‌های اعزام

چنانچه بخواهیم موفقیت یا عدم موفقیت اعزامها را بررسی نماییم، لازم است با در نظر گرفتن اهداف اعزام به داوری نشست و ببینیم آیا اعزام به اهدافش نائل گردیده است یا خیر؟ بدیهی است، به تناسب میزان وصول به اهداف و قرب به آنها، اعزام موفق تلقی می‌گردد و به مقدار دوری از آنها، ناکام محسوب می‌شود.

در یک جمع‌بندی کلی، اهداف اساسی اعزام عبارتند از:

۱- انتقال دانش و تکنولوژی غرب: با توجه به اینکه بنا داریم جامعه‌ای پیشرفته از ام‌القرای جهان اسلام به جهانیان ارائه دهیم، باید از آخرین دستاوردهای علمی غرب آگاه باشیم.

۲- متدولوژی و روش تحقیق: غریبان با متدهای علمی به اهداف علمی رسیده‌اند و پیمودن این راه بدون این متدها امکانپذیر نیست.

۳- آشنایی با یک زبان معتبر علمی دنیا: هم برای انتقال فرهنگ و آرمانهای سیاسی و اعتقادی‌مان به دنیای خارج و هم برای استفاده از دستاوردهای علمی جدید. حتی دانشجوی پس از بازگشت نیز از این وسیله (زبان) در جهت اهداف فوق استفاده خواهد نمود.

۴- استفاده از آزمایشگاههای علمی در برخی رشته‌ها که در داخل موجود نیست.

۵- تبادل اطلاعات سریع در عصر انفجار اطلاعات.

۶- استفاده از تجربیات دانشمندان غرب.

۷- بهبود ذایچه نگرشی به مسائل تحقیقاتی و تعمیق آن.  
۸- اخذ نکات مثبت از جامعه علمی به صورت خاص و از جامعه غرب به صورت کلی.

طبق نظرخواهی ما، مهمترین دستاوردهای دانشجویان حاضر که در حدود سه الی چهار سال در این محیط به تحصیل اشتغال داشته‌اند، به ترتیب اولویت عبارتند از:

۱- کسب تجربه علمی

۲- پیدایش ارتباط متقابل علمی

۳- روش و متدولوژی تحقیق

۴- شناخت جامعه غربی و نکات مثبت و منفی آن

۵- شناخت مکاتب و نحله‌های فکری غرب (در برخی رشته‌های تحصیلی)

۶- آموختن یک زبان خارجی

۷- باور پیدا کردن و اعتماد نمودن به امکانات داخل

۸- تنفر از جامعه غرب

۹- تقویت ایمان و باور به خویش و به داشته‌های خودی

### اشکالات اعزام

۱- هدر رفتن ارز کشور:

هرچند در کشور فرانسه با توجه به تحصیل تقریباً رایگان دانشجویان بورسیه نسبت به سایر کشورهای پیشرفته اروپایی، ارز چندانی مصرف نمی‌شود ولی در مجموع هزینه ارزی‌ای که برای یک دانشجو در متوسط کشورهای خارجی مصرف می‌شود برابر با هزینه‌ای است که برای دهها دانشجوی داخل مصرف می‌گردد.

البته برخی از منتقدان امروز اعزام که به نکته اسراف ارز اشاره می‌کنند، صاحب منصبان اجرایی سالهای اخیر بوده‌اند و اعزام زیر نظر آنان صورت پذیرفته و خود مجریان آن بوده‌اند و اگر اشکالی وارد است ابتدا بر مجریان امر است؛ ولی بایستی از این حقیقت غافل نشد که محاسبه مسائل فرهنگی با ارز و غیره خسران عظیمی را در پی خواهد داشت. اگر واقعاً اعزام دستاوردهای مثبت و جدی‌ای دارد، چنانچه به آثار درازمدت و نتایج و پیامدهای مثبت آن توجه کنیم و با دیدی کلان بیندیشیم، نگاه اقتصادی به مسأله جای خویش را به نگاه عمیق علمی و فرهنگی خواهد داد.

۲- تحصیل دانشجویان در سایر رشته‌ها:

در مواردی دیده شده است که دانشجویان در رشته‌هایی مشغول به تحصیل می‌شوند که از ابتدا برای آن رشته‌ها اعزام نشده‌اند؛ در حالی که نیاز علمی کشور همان رشته‌هایی بوده که برای آن اعزام شده‌اند. این وضعیت، اعزام‌های مزبور را ناکام گذارده و نتیجه‌ای غیر از آنچه مد نظر بوده، بدست می‌دهد.

مطالعه انجام شده نشان می‌دهد که دلایل عدم تحصیل دانشجو در رشته‌ای که اعزام شده و تغییر رشته وی متفاوت است. گاهی ناشی از علاقه شخصی دانشجو و یا در پی تسهیلات و منافع شخصی وی می‌باشد، در این صورت انتقاد متوجه دانشجویان است. ولی گاهی ناشی از نبودن آن رشته در کشور اعزامی یا پذیرش ندادن به دانشجویان ایرانی در آن رشته است که در این صورت وزارت علوم بایستی از قبل اطلاع کافی کسب کند و از اعزام در آن رشته و به کشور مورد نظر خودداری نمایند. طبق آمار تخمینی سرپرستی محترم دانشجویان در فرانسه، تعداد این دانشجویان بین ۵٪ الی ۱۰٪ است.

۳- تحصیل دانشجویان نزد اساتید غیرخبره:

این مطلب واقعیتی در برخی کشورها بوده و به گفته خود دانشجویان، در موارد متعددی اساتید داخلی ایران به مراتب با سوادتر و مطلع‌تر از استادان خارجی هستند. اما این نکته در مورد فرانسه صدق نمی‌نماید و طبق اظهار نظر سرپرستی دانشجویان در فرانسه تاکنون موردی از این قبیل در فرانسه مشاهده نشده و با توجه به رایگان بودن تحصیل در این کشور، اساتید و مدارک علمی فرانسه از معتبرترین اساتید و مدارک دانشگاههای جهان‌اند و این مطلب در ایران نیز مورد پذیرش است.

۴- مشکل خاص برخی رساله‌ها و کارهای تحقیقی:

در دهه‌های اخیر، شیوه گذشته مستشرقی تغییری بنیادین کرده و غربیان، امروزه کمتر شرق شناس تربیت می‌کنند، زیرا از خود شرقیان و کارشناسان آماده آن استفاده می‌برند. موضوعات پیشنهادی رساله‌های تحقیقی به دانشجویان کشورهای دیگر، در جهت پیگیری اهداف مطالعاتی مؤسسات تحقیقاتی غرب است. عمق فاجعه در این قسمت بسیار جدی است، زیرا مسأله هدر رفتن ارز نیست بلکه صحبت از در اختیار گذاشتن اطلاعات و ناگفته‌های خودی نزد نامحرمان در قالبی محترمانه و علمی است.

اکنون سه مرحله برای نظارت بر پایان‌نامه‌های دانشجویان وجود دارد:

۱- سرپرستی دانشجویان در خارج از کشور، ۲- مشاور علمی وزارت علوم، ۳- شورای بورسیه‌ها برای تأیید و صدور مجوز شروع به تحصیل.

به نظر می‌رسد سه کانال فوق بایستی تقویت گردد تا موجب کاهش بروز مشکل فوق شود.

۵- تأثیرات منفی فرهنگی بر دانشجویان:

کمی بعد این نکته مفصل‌تر مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۶- تضعیف دانشگاه‌های داخلی:

با توجه به امتیازات اجتماعی‌ای که برای فارغ‌التحصیلان خارج از کشور حاصل می‌گردد، پس از بازگشت، نوعاً مدرک فارغ‌التحصیلان از اعتبار اجتماعی و عرفی بیشتری برخوردار است. این وضعیت خود به خود موجب تضعیف دانشگاه‌های داخل و فارغ‌التحصیلان دوره‌های تخصصی آن می‌گردد.

البته از نگاهی دیگر، بازگشت فارغ‌التحصیلان و اشتغال به تحقیق و تدریس در دانشگاه‌های داخل، به نوعی موجب تقویت بنیه علمی دانشگاه‌های داخلی می‌شود. به ویژه اگر اعزام در رشته‌هایی صورت پذیرد که در داخل امکان تحصیل نباشد یا ظرفیت دانشگاه‌ها خیلی محدود باشد.

۷- ایجاد پل بازگشت به خارج و پناهگاه امن برای کم ظرفیتان:

پس از بازگشت و در شرایط بحرانی داخلی، دانشگاه‌ها و مؤسسات خارجی محل تحصیل و تحقیق، مأمون مناسبی برای بازگشت فارغ‌التحصیلان به خارج از کشور در شرایط مختلف بوده است. از جهت فکری نیز برای برخی از دانشجویان اعزامی، جامعه غربی مدل مدینه فاضله و شهر آرزوها می‌گردد، به طوری که مدتی پس از

بازگشت به کشور، زمینه مراجعت مجدد آنان به کشور محل تحصیلشان را فراهم می‌نماید. عمده‌ترین راه حل اجتناب از این واقعیت، اعزام‌های حساب شده و بررسی دقیق‌تر است.

## ● طرف‌های اعزام

### اول: دانشجو

تأثیر فرهنگی جامعه بر فرد امری مبرهن و واضح است و در همین جهت تأثیر محیط غرب بر دانشجویان اعزامی و خانواده‌شان، امری اجتناب‌ناپذیر است. این تأثیر گاهی مثبت و گاهی منفی است.

برخی دانشجویان تأثیر محیط غرب را مثبت تلقی می‌کنند، زیرا به دلیل در اقلیت بودن در جوامع غربی، موجب پافشاری بیشتر بر غیرتها و جمعیت‌های ملی و دینی می‌گردد. به عنوان مثال، فیلم "بدون دخترم هرگز" را وقتی در ایران می‌دیدیم کمتر حساسیت را بر می‌انگیخت ولی در اینجا پس از پخش آن از تلویزیون فرانسه، اعتراضات تلفنی و کتبی دانشجویان را به دنبال داشت. این دانشجویان به دلیل ارتباط با فرهنگ و ملیت‌های مختلف، نگرشی عمیق‌تر در رابطه با مسائل فرهنگی پیدا می‌کنند و به تسامحی از نوع مثبت آن دست می‌یابند.

اما برخی دیگر، این تأثیر را منفی تلقی کرده‌اند و موجب ترویج تفکرات لیبرالی و تسامح از نوع منفی آن می‌دانند و از سوی دیگر، این تأثیر را باعث تضعیف بنیان‌های فرهنگی مثل زبان فارسی می‌دانند. بدیهی است میزان جذب و هضم مهاجران به فرهنگ جدید، متناسب با قوت بنیادهای فرهنگی دینی و ملی آنان است.

به عنوان مثال، بسیاری از مردم قاره آفریقا در فرانسه به راحتی جذب و هضم می‌شوند، ولی بعضی از آنان که ریشه‌های فرهنگی و اعتقادی عمیق دارند در اینجا نیز ارزشها و هنجارهای ملی و فرهنگی و ایمانی خویش را پاس می‌دارند.

بنظر می‌رسد این جمع‌بندی درست باشد که میزان تأثیر فرهنگی غرب بستگی به افراد دارد. کسانی که در حال «شدن» هستند در این حالت رنگ محیط را در حل شدن، بخود می‌گیرند و آن گونه «می‌شوند». ولی آنها که قبلاً «شده»‌اند سعی در شناخت نکات مثبت و منفی فرهنگ غرب و اقتباس و استفاده از فوائد و پرهیز از مضار آن دارند. همچنین تأثیر فرهنگی‌ای که دانشجو از خود در محیط

غرب به جا می‌گذارد، بسیار قابل توجه است. گسترش اسلام در اروپا غالباً از طریق مروّجان رسمی دین نبوده است، بلکه برخلاف گسترش مسیحیت که از طریق مسیونرهای مذهبی و وابستگان آنها صورت می‌پذیرفته، ترویج و تبلیغ اسلام غالباً از طریق بازرگانان و دریانوردان و ملاحان بوده است.

امروزه با توجه به ضعف حضور نهادهای فرهنگی و تبلیغی اسلامی در فرانسه، دانشجویان مسلمان ایرانی، سربازان گمنام و مدافعان راستین انقلاب و اسلام در اینجا محسوب می‌شوند. نقش حجاب خانواده‌ها و مخصوصاً دختران محصل برهمگان واضح است. آنان با تحمل تمام سختیها و مشقات، پرچمداران حفظ ارزشها و سنتهای دینی ملت مسلمان ایران در خارج از کشور محسوب می‌گردند. در اینجا بد نیست که مهمترین مشکلات دانشجویان اعزامی را از زبان آنها بشنویم. این مشکلات به ترتیب اولویت عبارتند از:

#### ۱- زبان فرانسه و مشکلات آن

متأسفانه وزارت علوم مدت زمان تحصیل را محدود کرده است و قبل از اعزام، برنامه‌ای جدی برای آموزش زبان فرانسه در ایران ندارد. دانشجو قبل از اعزام با گرفتاری‌های شدیدی مواجه است. به نظر می‌رسد مناسب باشد که وزارت علوم شش ماه قبل از اعزام، دانشجویان را بورس نماید و هزینه زندگی آنها را تامین کند تا دانشجویان اعزامی در داخل کشور به صورت شبانه‌روزی به تحصیل زبان اشتغال ورزند. این اقدام، از جهت هزینه ارزی موجب صرفه‌جویی قابل ملاحظه‌ای خواهد شد و در نهایت دانشجوی اعزامی چند ماهی پس از ورود به فرانسه، برای تکمیل زبان خود اقدام نمود که صرفه‌جویی قابل توجهی در مدت زمان فراگیری زبان فرانسه بدنبال خواهد داشت.

#### ۲- فقدان آشنایی دانشجو با کشور محل تحصیل قبل از اعزام

وزارت علوم از آشنایی کافی نسبت به دانشگاهها و طبقه‌بندی آنها و شیوه اخذ پذیرش و نحوه ادامه تحصیل برخوردار نیست تا آنها را به دانشجو منتقل نماید. این وضعیت، موجب اتلاف وقت فراوان دانشجویان برای کسب آشنایی کافی با محل تحصیل شان می‌گردد.

#### ۳- بی برنامه‌گی وزارت علوم و تغییر پی‌درپی مقررات

و مدیریت‌ها

این تغییرات موجب بلا تکلیفی و سردرگمی

دانشجویان اعزامی در طول مدت تحصیل است. مثلاً اکنون پس از تغییر مدیریت جدید، فرمهایی فرستاده شده که با شأن دانشجو و استاد منطبق نیست. خوشبختانه این فرمها در حال تغییر است.

۴- فشار روحی در جامعه غرب به دلیل دوری از وطن معمولاً دانشجویان اعزامی و خانواده‌هایشان، به دلیل دوری طولانی از وطن (در برخی موارد نزدیک به پنج سال) و عدم امکان مسافرت به ایران در فرصت‌های زمانی کوتاهتر از یک یا دو سال، در فشار روحی جدی قرار می‌گیرند.

۵ - پایان نامه‌ها و تحقیقات با منافع اساتید و دانشجویان منطبق نیست. استاد در پی تکمیل تحقیقات و اطلاعات خویش است و دانشجو می‌خواهد یاری که به درد مملکت بخورد ببندد.

### دوم: وزارت علوم

#### الف: آزمون و اعزام

اولاً، به هنگام آزمون، نیازهای علمی کشور در یک برنامه بلند مدت در نظر گرفته نشده است. لذا برخی از فارغ‌التحصیلان هنوز پس از گذشت یک سال از بازگشت به وطن در دانشگاه معینی جایابی نشده‌اند. ناگفته نماند بخشی از عدم جایابی‌ها مربوط به وضعیت گروه‌های هیئت‌های علمی دانشگاههای کشور است که با توجه به مسلح شدن دانشجویان متعهد به همان سلاح اساتید غرب زده، یعنی فرنگ رفتن و دیپلم فرنگی داشتن، ورود این فارغ‌التحصیلان متعهد موجب زنگ خطر برای بی‌اعتقادان به اسلام و انقلاب گشته و در این راه مانع تراش کنند.

ثانیاً، از مشکلات اعزام، اعزامهای اجباری یا به تعبیر دیگر اعزام اضطراری است که وزارت علوم در شرایط خاصی نظیر اتمام فرصت زمانی پیش بینی شده برای اعزام، دانشجویان را تحت فشار به کشور خاصی اعزام می‌نماید، بدون اینکه امکانات و ابزار لازم را برای اخذ پذیرش در اختیار دانشجویان قرار دهد.

در یک نظرسنجی، ارزیابی دانشجویان از عملکرد مسئولان ستاد اجرائی اعزام در وزارت علوم، به شرح زیر است:

۱- بسیار ضعیف: ۱۰٪

۲- ضعیف: ۴۰٪

۳- متوسط: ۲۰٪

۴- بی‌برنامه: ۳۰٪

البته دانشجویان در مورد عملکرد امور مالی و تحولات اخیر آن نظر مثبت دارند. همچنین تحولات اخیر قسمت کارشناسی اعزام، خوب و مثبت ارزیابی می‌گردد. لازم به تذکر است که مبنای نظرسنجی‌ها بر این بوده است که پرسش‌شوندگان تقوای سیاسی را رعایت کنند و صرفنظر از حُب و بغضها و منافع و مضار شخصی، منصفانه و عادلانه قضاوت نمایند تا شاید برای آیندگان منافعی را در پی داشته باشد.

ب - نهاد سرپرستی دانشجویان در خارج از کشور ارزیابی دانشجویان از عملکرد نهاد سرپرستی به شرح زیر است:

۱- هیچگونه نقشی ندارد: ۳۰٪

۲- نقش سرپرستی ضعیف است: ۳۰٪

۳- بسیار ضعیف است: ۱۰٪

۴- متوسط است: ۱۰٪

۵- زیر متوسط است: ۱۰٪

۶- نسبتاً خوب است: ۱۰٪

به نظر می‌رسد مشکل، ناشی از فقدان تعریف حیطة کار و شرح وظایف دقیق نهاد سرپرستی است. هنگامی که وزارت علوم شخصی را به عنوان امین و مدیر دانشجویان اعزامی معرفی می‌نماید، این توقع هست که وی از مدیریتی قوی برخوردار باشد و حداقل در موارد خاصی تصمیم‌گیری موردی و مقطعی بنماید. با توجه به مشکلات خاص هر کشور و هر دانشگاه و هر رشته، انتظار می‌رود سرپرستی با اختیارات بیشتری در این زمینه‌ها تصمیم‌گیری نماید. اکثر قریب به اتفاق دانشجویان، نهاد سرپرستی را اصلی ضروری و لازم می‌دانند. بدیهی است در این نظرسنجی، نظرات دانشجویان نسبت به نهاد سرپرستی ابراز شده است نه به شخص سرپرستی؛ حتی برخی ضمن اظهار نظر منفی در مورد عملکرد نهاد سرپرستی نسبت به شخص محترم سرپرستی دانشجویان در فرانسه و عملکرد صادقانه وی ابراز تشکر و قدردانی می‌نمایند.

ج - مشاور علمی وزارت علوم:

مشکل عمده این مشاوران، فقدان تخصص کافی نسبت به موضوعات تحقیقات دانشجویان و عدم آگاهی آنان از دانشگاه محل تحصیل دانشجویان و چه بسا از نحوه تحصیل در کشور مربوطه است.

لذا در نظرسنجی از دانشجویان، نقش مشاور علمی این

گونه ارزیابی شده است:

۱- هیچ نقشی نداشته است: ۴۰٪

۲- خیلی ضعیف است: ۲۰٪

۳- ضعیف است: ۲۰٪

۴- خوب است: ۲۰٪

خلاصه: ۹۰٪ دانشجویان مصاحبه شده با اصل اعزام موافقت، البته تحت شرایط خاص و بازبینی قوانین و مقررات آن؛ ۱۰٪ دیگر نظر ممتنع دارند. با توجه به همه پستی و بلندیها ۸۰٪ دانشجویان از اعزام و ادامه تحصیل در خارج از کشور راضی هستند و ۲۰٪ ناراضی‌اند.

### اعزام و وظایف نهادهای فرهنگی

در داخل کشور نهادها و تشکلهای اسلامی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، متکفل تغذیه فکری و سیاسی دانشجویانند. در خارج از کشور همه نهادهای مزبور، در انجمن‌های اسلامی دانشجویان خلاصه می‌شوند و در راس هرم آن نمایندگی مقام معظم رهبری در اتحادیه قرار دارد.

در مصاحبه‌ای که به صورت انفرادی با اعضای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان و سرپرستان سابق منطقه فرانسه انجام شد، همگان در دو مورد اتفاق نظر داشتند:

۱- ضرورت وجود نمایندگی رهبری، نه تنها به صورت سمبلیک بلکه با حضوری جدی و پویا.

۲- انتظار حضور جدی‌تر و توسعه کیفی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در اتحادیه.

### فهرست پیشنهادها

با توجه به تجربه اعزامها، به نظر می‌رسد پیشنهادات زیر برای تنظیم برنامه‌های اعزام، راه‌کارهای مثبت و جدی داشته باشد:

۱- در اعزام‌ها نقش وزارت علوم نقش ستادی باشد و نقش دانشگاهها تقویت شود.

۲- دانشجویان پس از مدتی تحقیق در دانشگاه داخل، از طرف آن دانشگاه به خارج اعزام شود. برای این منظور مناسب است که استادی به عنوان استاد ایرانی دانشجوی

اعزامی منصوب شده و حتی در دفاع پایان‌نامه دانشجوی در دانشگاه خارج، حضور داشته باشد. بدین ترتیب اعزام از طریق ارتباطات دانشگاهی انجام گرفته و نقش استاد خارجی یک طرفه و همه جانبه نخواهد بود.

۳- اعزام ترددی که نظریات متعدد و متفاوتی در مورد مدت زمان آن ابراز شده، در دستور برنامه‌ریزی اعزام قرار گیرد. بدین صورت که دانشجوی، دانشجوی داخل باشد و در داخل شروع به تز نماید، ولی طبق قراردادی (مثلاً یک سال) برای تحقیق به خارج بیاید و سپس به کشور برگردد و در داخل از پایان‌نامه خود دفاع نماید، تقریباً شبیه روشی که در کشور مصر انجام می‌شود.

۴- اعزام افرادی که تجربه کاری دارند و شاکله فرهنگی و فکری صحیح خود را یافته‌اند، در اولویت قرار گیرد.

۵- اگر دانشجوی اعزامی در مقطعی وارد کار اجرایی شده، تحقیقات دکتری هماهنگ با همان نیازهای داخلی انجام پذیرد.

۶- بازبینی جدی در مورد اعزام برخی رشته‌های علوم انسانی و به حداقل رساندن آن.

۷- امکان ادامه ارتباطات علمی برای دانشجویان اعزامی پس از بازگشت، از طریق تهیه امکانات و مبادلات علمی و فرهنگی.

### حسن ختام

می‌خواستم حسن ختام را از سخنان امام راحل‌مان و مقام معظم رهبری درباره اعزام قرار بدهم، ولی با توجه به در دسترس بودن آن، ترجیح داده شد که نظر مرحوم مدرس را در این زمینه بیاورم که کمتر در دسترس دانشجویان بوده است و از سویی دیگر، حاکی از ریشه‌دار بودن داستان اعزام است.

در جلسه ۲۱۷ دوره دوم مجلس شورای ملی، وقتی دولت لایحه اعزام را به مجلس می‌آورد، نمایندگان وارد جزئیات می‌شوند. برخی در مورد تعداد دانشجویان اعزامی یا شهر و دانشگاه و محل تحصیل و غیره به بحث می‌پردازند، ولی مرحوم شهید مدرس به عمق و ریشه اعزام می‌پردازد.

مدرس (ره) : «عرض می‌کنم که، اولاً این عرض را که می‌خواهم بکنم شبیه نشود که از حیث حکم شرع آن باشد، اگر ده هزار نفر شاگرد هم از ایران به اروپا برود هیچ مانعی ندارد، بلکه این عرض بنده از حیث سیاسی است و آن این

است که ما اول مملکت خودمان را تجربه کرده‌ایم و در این مدت عمری که داشته‌ایم خیلی شاگرد رفتند به اروپا و خیلی از پولهای این مملکت را در آنجا خرج کرده‌اند. لیکن نقص مملکت کم نشده است. باید نحوی نمود که امروز که محتاج به علوم اروپا هستیم علم را به مملکت خودمان بیاوریم ... لذا رأی بنده هم موافق است با رأی آقای سیدابراهیم که باید اولاً معلم از خارج بیاوریم ولو اینکه سالی یک کرور مخارج او باشد، ثانیاً اگر ممکن نشود که معلم بیاوریم باید شاگرد برای معلمی فرستاد، و الا ده نفر شما بر فرض فرستادید برای تحصیلات نظام، از آنها چند نفرشان می‌میرند چند نفرشان منع برای ایشان پیدا می‌شود و بالاخره آیا یک نتیجه از آنها حاصل شود یا نشود و فایده از آنها ببریم یا ببریم.

پس در این مدت آنچه پول از مملکت بیرون بردند و مملکت را خراب کردند بس است ... نمی‌توانم تخطئه بکنم وزارتخانه‌هایمان را، البته اشخاص صمیمی هستند، ولی این را هم تجربه کرده‌ایم که این وزارتخانه هرچه را تصویب کرد وزارتخانه بعدی آن را تکذیب کرد و مجلس دارالشورا که نمی‌تواند بگوید که این ۳۰ نفر باید برود برای تحصیل، مجلس دارالشورا هم تصدیق می‌کند، بعد می‌گویند که اینها رفته‌اند برای عیش کردن! اگر معلم بیاورید و اولیای امور هم مواظب باشند سالی ده هزار، ۲۰ نفر کم است، سالی یک کرور هم خرج آن معلمین بشود نافع و بهتر است از برای مملکت از این که شاگرد به خارجه بفرستید. (به نقل از مجله مجلس و پژوهش شماره ۱۷، مهر و آبان ۷۴)

\*\*\*